

از این رای تقاضای فرجام شده و اعتراضات فرجامی این بوده که طبق ماده ۱۹ قانون ثبت برای موارد رد یا ابطال جداگانه می‌توان دادخواست را تجدید کرد.

شعبه ۴ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۳۴ - ۲۶/۶/۲۱ چنین رأی داده است.

(چون ماده ۱۹ قانون ثبت در زمینه تجدید دادخواست پس از ابطال و تبصره ذیل آن در زمینه تجدید دادخواست پس از رد آن هر یک تحت عنوان جداگانه اجازه یک مرتبه تجدید دادخواست را بمعترض داده اعمال ماده مزبوره و تبصره نامبرده در پرونده واحد بلا اشکال بوده از این رو قرار مورد فرجام شکسته میشود و پرونده برای اقدام شایسته بشعبه ۲ دادگاه استان پنجم فرستاده میشود.)

رویه دیوان کشور بر استواری

در موردیکه حکم ببطال رای داوران از لحاظ عدم ابلاغ وقت

رسیدگی یکی از آنان داده شده است

ماده ۶۶۰ آئین دادرسی مدنی

وکیل کسی از دادگاه شهرستان تقاضای ابطال رأی داور را که بمحکومیت موکل او پرداخت مبلغی در حق دوفرد دیگر صادر شده بوده نموده و توضیح داده که روز رسیدگی را که داوران در آن روز رای داده‌اند بداور اختصاصی موکل او اطلاع نداده‌اند و همچنین رای در خارج از مدت مقرر انشاء گردیده و در مقدمه رأی تصریح بعدم حضور داور اختصاصی در آن جلسه نموده‌اند و در پایان رأی نوشته‌اند (داور اختصاصی از امضای رأی خودداری کرد) که این دو جمله متضاد دلیل

خلاف واقع بودن اظهارات داوران است .

دادگاه شهرستان پس از رسیدگی (از لحاظ اینکه تاریخ قبول آخرین داور ۲۱/۵/۲۶ و مدت داورى دو ماه بوده و دلیلی بر تمدید مدت ده روز که در رأی داوران ذکر شده وجود نداشته) رأی داوران را در خارج از مدت مقرر تشخیص داده و همچنین عدم شرکت داور اختصاصی خواهان را در تهیه رأی (باستنادمند درجات همان رأی داوران و اینکه هیچ دلیلی نیست که مشعر با بلاغ وقت رسیدگی باو باشد) حکم ببطال رأی داوران داده است .

و کیل محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه استان حکم بدوی را گسیخته و تقاضای وکیل پژوهشخوانده را بر ابطال رأی داوران داده است .

بر اثر فرجام خواستن وکیل خواهان بدوی حکم پژوهشی در دیوان کشور شکسته شده و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان رجوع میگردد - شعبه اخیر پس از رسیدگی (بشعبه ۶ دادگاه استان مرکز) بشرح زیر رأی داده است (نظر باینکه اولادیل ماده ۲۵ قرارداد اداره کل ساختمان راه آهن ناظر

بارجاع امر بداورى در مورد اختلاف بین مقاطعه کار و اشخاص ثالث است در قسمت مدت حکمیت مقررات خاصی در چنین موردی ذکر نشده و مقررات راجع بمدت حکمیت تابع مقررات عمومی است که بموجب ماده ۶۴۱ قانون آئین دادرسی مدنی دو ماه میباشد و بنا بحکایت پرونده حکمها در مدت دو ماه اظهار نظر ننموده اند و ادعا شده است که بتراضی طرفین ده روز بر مدت حکمیت اضافه شده و باتکذیب وکیل خواهان بدوی دلیلی راجع باین قسمت تقدیم نشده و علاوه بر اینکه در دادخواست پژوهشی از طرف وکلای مشار الیه تقاضای گواهی نامه نشده تا اگر راجع باین قسمت دلیلی در پرونده متشکله در اداره ساختمان راه داشته باشند بیاورند ، چون بهر حال بنا بحکایت پرونده ارجاع بداورى در اداره مذکور شده و خواننده

بدوی در پرونده نامبرده خود دخالت داشته و با این حال بدون گواهی نامه میتواند در طی گفتگوهای زیادی که در مراحل مختلفه رسیدگی دادگاهها نسبت با ایراد مذکور بعمل آمده اگر موارد استفاده میداشت از آن پرونده رونوشت گرفته بیاورد و دادن گواهی نامه بجهت مذکوره مورد نخواهد داشت و ثانیاً نظر باینکه بموجب ماده ۶۶۰ قانون آئین دادرسی مدنی اگر یکی از داورها در جلسه که برای رسیدگی یا مشاوره با اطلاع او از طرف داورهای دیگر معین شده حاضر نشود یا حاضر شده و از دادن رأی امتناع نماید رای اکثریت داورها مناط اعتبار خواهد بود و از مفهوم مخالف این ماده استنباط میشود که اگر جلسه رسیدگی با اطلاع یکی از داورها نرسد و اکثریت داورها بدون حضور او رأی دهند بی اعتبار خواهد بود و بشرح مندرجات پرونده داور اختصاصی خواهان بدوی در آخرین جلسه رسیدگی داورها حاضر نبوده و دلیلی در پرونده نیست که وقت رسیدگی بداور مذکور اطلاع داده شده باشد و با آنکه در دادخواست پژوهشی برای اثبات اطلاع بداور اختصاصی درخواست استماع از گواهی گواهان نشده و اسامی گواهان ذکر نگردیده و اساساً با انکار کتبی داور اختصاصی خواننده بدوی راجع با اطلاع دادن با او و نبودن دلیل کتبی و یا اماره و قرینه دیگر استماع شهادت شهود بی تأثیر بنظر میرسد و در رأی داورها از يك طرف ذکر شده است که داور اختصاصی خواهان بدوی حاضر نبوده و در آخر رأی نوشته شده داور اختصاصی آقای . . . از امضای رأی خودداری کرده است که بین این دو عبارت اختلاف بین و واضح میباشد با توجه به بند ۱۲ از ماده ۶۶۵ و ماده ۶۶۰ قانون آئین دادرسی مدنی بطلان رأی داورها نسبت بسهم خواننده بدوی اعلام میشود)

محکوم علیه از این حکم فرجام خواسته و شعبه ۶ دیوان کشور پس از رسیدگی

ایرادی بر حکم پژوهشی وارد ندیده و بشماره ۱۴۰۵ - ۲۶/۸/۱۶ حکم مزبور را استوار کرده است .

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه وصیتنامه که پیش از انتشار قانون راجع بطرز تنظیم وصیتنامه نوشته شده (از لحاظ تنظیم نشدن مطابق آن قانون) ترتیب اثر نداده است

ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

زنی در تاریخ ۱۳۲۱/۱۱/۲۵ بدادسرای شهرستان شرحی نوشته حاکی از اینکه شوهر من سه ماه قبل فوت کرده و دو فرزند صغیر از او باقی مانده و اموال او مورد تعرض فرزندان کبیر او واقع شده و اینجانب برای حفظ حقوق خود و صغار تقاضای اقدام مقتضی را دارم - در خلال اقداماتی که از طرف دادسرا بعمل آمده پسر بزرگ متوفی وصیتنامه و صلح نامه ابراز داشته و خود را وصی و برادر دیگر را ناظر معرفی کرده و بالاخره قضیه از دادسرا طبق ماده ۷۳ قانون امور حسبی بدادگاه شهرستان ارجاع شده است .

دادگاه بس از شنیدن توضیحات دو طرف رأی داده است که متوفی طبق اظهار دو پسر بزرگش سواد نداشته و املاک را بنام خود تقاضای ثبت کرده و وصیتنامه مطابق قانون تنظیم نشده و قابل پذیرفتن نیست و دادسرا باید برای تعیین سرپرست صغار اقدام نماید .

از این رأی دو برادر مزبور پژوهشخواسته اند و همان رأی بدوی ابتداغیباً و سپس حضوراً نیز در شعبه ۳ دادگاه استان ۱ و ۲ استوار شده است .